

جستاری تربیتی
در برنامه های یک شبکه
تلویزیونی کودک

www.ketab.ir

فاطمه محمدی سیجانی

با مقدمه ای از: دکتر علیرضا رحیمی

مرشنامه	:	محمّدی سیجانی، فاطمه، ۱۳۶۰ -
متوان و نام پدیدآور	:	رسانه و تربیت: جستاری تربیتی در برنامه های یک شبکه تلویزیونی کودک/فاطمه محمدی سیجانی؛ با مقدمه ای از علیرضا رحیمی؛ ویراستار لیلا کربلایی حاجی.
شخصیات نشر	:	تهران: موسسه بین المللی مطالعاتی نهج البلاغه، انتشارات نهج، ۱۳۹۹.
شخصیات ظاهری	:	۲۸۳ ص: جدول، نمودار (رنگی).
شابک	:	۳۰۰۰۰ ریال ۱-۷۷۹۵۲۳-۶۰۰-۹۷۸
ضمیمت فهرست نویسی	:	فیبیا
ادداشت	:	ص.ع. به انگلیسی: Fatemeh Mohammadisijani. Media and Education.
ادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۷۵-۲۶۹.
وضوع	:	شبکه تلویزیونی طه
وضوع	:	تلویزیون - لبنان - برنامه های کودکان - نمونه پژوهی
وضوع	:	Children's television programs -- Lebanon -- Case studies
وضوع	:	تلویزیون و کودکان - لبنان - نمونه پژوهی
وضوع	:	Television and children -- Lebanon -- Case studies
مناسه افزوده	:	رحیمی، علیرضا، ۱۳۴۸ - مقدمه نویس
مناسه افزوده	:	موسسه بین المللی مطالعاتی نهج البلاغه. انتشارات نهج
ده بندی کنگره	:	۸۷۰۰-HE/۹
ده بندی دیویی	:	۲۸۴/۵۵۰۹۵۶۹۲
سماره کتابشناسی ملی	:	۶۱۴۱۲۵۰

مؤسسه بین المللی مطالعاتی نهج البلاغه (مناوت آموزش و پژوهش)

عنوان: رسانه و تربیت: جستاری تربیتی در برنامه های یک شبکه تلویزیونی کودک

نویسنده: فاطمه محمدی سیجانی

مقدمه: دکتر علیرضا رحیمی

ویراستار: لیلا کربلایی حاجی

حروف چینی و صفحه آرایی: نهج

طرح جلد: نهج

شابک: ۱-۷۷۹۵۲۳-۶۰۰-۹۷۸

ناشر: نهج

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

تلفن پخش: ۰۹۱۲۸۱۸۰۹۰۳ _ ۰۹۱۲۳۷۸۴۰۵۱ _ ۰۹۱۹۵۰۹۴۸۴۱

e-mail: nahj.iri@gmail.com

حقوق چاپ و انتشار برای ناشر محفوظ است.



فهرست مطالب

۸.....	مقدمه
۲۶.....	کلیات
۲۷.....	گزینش موضوع
۲۹.....	چالش ها و پرسش های پژوهش
۳۰.....	فرضیه های پژوهش
۳۱.....	اهمیت موضوع و انگیزه انتخاب آن
۳۱.....	اهمیت علمی این پژوهش
۳۲.....	روش و تکنیک های پژوهش
۳۳.....	بخش های پژوهش
۳۳.....	فهرست مهمترین منابع و مراجع
۳۷.....	دشواری ها
۳۹.....	بخش نخست: مباحث نظری
۴۱.....	فصل نخست: ویژگی های رسانه وظایف و دیدگاه های مربوط به آن
۴۱.....	ویژگی های رسانه و وظایف آن
۵۳.....	دیدگاه های اثربخشی رسانه ها
۶۹.....	نتیجه گیری فصل نخست
۷۰.....	فصل دوم: برنامه های تلویزیون ، طبقه بندی نمایه ها و مفاهیم ارزشی آن
۷۲.....	تلویزیون و برنامه هایش
۷۶.....	وظایف و روابط تلویزیون
۱۱۰.....	برنامه ها و محتوای ارزشی آن
۱۲۵.....	نتیجه گیری فصل دوم

نتیجه گیری بخش نخست ۱۲۶

بخش دوم: بررسی های میدانی ۱۲۸

اقدامات میدانی پژوهش ۱۲۹

آماده سازی کار میدانی و اجرای آن ۱۳۰

دشواری ها ۱۳۳

فصل نخست: مشاهده نتایج و تحلیل آن ۱۳۵

محتوای ارزشی برنامه ها ۱۳۷

نشان دادن ارزش ها بر اساس نوع آن در جامعه هدف ۱۷۹

آمار توصیفی ۱۹۳

فصل دوم: تفسیر نتایج و تحلیل آن ۲۴۳

تفسیر نتایج مربوط به نیایه و بررسی آن ۲۴۵

تفسیر نتایج مربوط به ارزش ها و تحلیل آن ۲۵۳

بررسی فرضیه ها ۲۵۶

نتیجه ۲۶۳

خلاصه و نتیجه پژوهش ۲۶۴

مهمترین نتایج پژوهش ۲۶۵

دستاوردهای این پژوهش ۲۶۶

پیشنهادهایی برای پژوهش های آینده ۲۶۷

منابع و مراجع ۲۶۹

منابع به زبان عربی ۲۶۹

منابع به زبان انگلیسی ۲۷۴

نشریات و مجلات ۲۷۴

پایگاه های الکترونیک ۲۷۵

مقدمه

به قلم دکتر علیرضا رحیمی^۱

امروزه، «یادگیری» و «تربیت» کودکان، پیوندی جدی با رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های تصویری- برقرار کرده است. هر چند این پیوند یعنی یادگیری حاصل از تعامل با رسانه‌ها، همواره برای مربیان مطلوب نبوده و نیست و مربیان در سراسر جهان معمولاً از جدی‌ترین منتقدان برنامه‌های تلویزیونی بشمار می‌آیند- اما به طور منطقی، «تربیت از طریق رسانه» را ممکن می‌سازد. زیرا یادگیری، پایه و اساس تربیت است و جایی که یادگیری باشد به دنبال خود، تربیت یا به عکس سوء تربیت را نیز همراه می‌آورد.

اکنون با این مقدمه کوتاه می‌خواهم توجه خواننده گرامی را به این نکته اساسی جلب نمایم که «برنامه‌سازی تلویزیونی برای کودکان را به عنوان یکی از نمونه های تعامل میان انسان و رسانه‌ها- باید اقدامی تربیتی تلقی نمود.» نتیجه این تلقی عبارتست از توجه به مباحث پداگوژیک در برنامه‌سازی برای کودکان؛ چیزی که باعث گسترده‌تر شدن ابعاد

^۱ علیرضا رحیمی، تربیت پژوه، نویسنده و استاد تعلیم و تربیت در دانشگاه‌ها و مراکز مختلف و هم اکنون، همکار دانشکده مطالعات اسلامی دانشگاه مجازی المصطفی (ص) است که در زمینه رابطه میان تربیت و رسانه فعالیت اجرایی و علمی داشته است. مدیریت «پروژه دین رسانه و کودک» و سپس تلاش برای راهاندازی و شکل گیری «انجمن تخصصی کودک و رسانه و نگارش مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه، جزو فعالیت‌های او است.

سازوکارهای مرتبط با دانش تعلیم و تربیت می شود. البته با تاسف فراوان، اکنون، نبود دیدگاه- (ها) و نظریه (هایی) اساسی در زمینه «رابطه میان تربیت و رسانه»، باعث تشنگی و نابسامانی در فهم برنامه سازان و نیز عمل آنها در زمینه برنامه سازی تربیتی شده و تحقق یک «نظام تربیتی رسانه ای» را عملاً ناممکن کرده است. از این رو، در «برنامه سازی تربیتی» یا در «پیوند میان نظریه های تربیتی با برنامه سازی»، کوشش برای نظریه پردازی - به جای تکیه بر دیدگاه- های شخصی و مشتت - تلاشی ضروری و عقلانی است. نگارنده، خود، در این مسیر اقداماتی انجام داده و حاصل آن را در کتابی تحت عنوان «رسانه تربیتی» عرضه نموده است^۱ اما به هرتقدیر، نبود نظریات متعدد، عملاً امکان تضارب آراء و رشد افکار و اندیشه ها را در بستری اجتماعی فراهم نکرده و نمی کند پس باید منتظر بمانیم تا در این زمینه فعالیت های جدی و قابل قبولی انجام شود.

نیک بختانه کتاب پیش روی شما که در پی برقراری پیوند میان تربیت و رسانه است یکی از این اقدامات مبارک است؛ زیرا در عمل، تلاش می کند تا میان برنامه سازی تلویزیونی برای کودکان و مقوله تربیت، رابطه ای برقرار کند. تلاش اصلی این کتاب، آشکار سازی نسبت میان ملاحظات تربیتی - بویژه از طریق نمایی ها - و برنامه سازی تلویزیونی بوده است؛ چیزی که باعث می شود از طریق جلب توجه برنامه سازان به مباحث پداگوژیک، امکان ایجاد سازوکارهای برنامه سازی مرتبط با دانش تعلیم و تربیت بهتر و بیشتر فراهم شود. من در انتهای این مقدمه در باره کتاب حاضر بیشتر سخن خواهم گفت اما آن چه در ادامه بیان می شود حاوی نکاتی است که از دیدگاه راقم این سطور چه بسا بتواند در قالب مقدمه ای علمی برای کتابی که حاصل تحقیقات یک پژوهش گر است به اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع اساسی «رابطه میان تربیت و رسانه» پردازد. از این رو، ترجیح می دهم به جای تدوین یک مقدمه تشریفاتی برای یک کتاب، از این فرصت برای طرح مباحثی اساسی در زمینه مورد بحث کتاب بهره بگیرم و سهمی در توسعه این حوزه از دانش داشته باشم. بحث خود را در این باره بر اساس محتوای کتاب «رسانه تربیتی» - در قالب دو بخش، ارائه

^۱ رحیمی، علیرضا (۱۳۹۸)، رسانه تربیتی: معرفی نظریه تربیت عقلانی بصیرتگرا با هدف هدایت برنامه سازی تلویزیونی برای کودکان به سوی

می‌دهم به امید این که راهگشای مسیر تلاش در زمینه برقراری نسبتی صحیح میان تربیت و رسانه باشد.

بخش نخست: ملاحظات برای برقراری پیوند میان تربیت و رسانه

برای جهت‌دهی مسیر بحث در باره «رابطه میان تربیت و رسانه» به سوی یک «زمینه واقع‌گرا»^۳ و به دور از تخیل^۴ و ذهنیت‌گرایی^۵ باید به واقعیت‌ها و نکاتی اساسی در عرصه‌های نظر و عمل که باید به هنگام گزینش و سازمان‌دهی محتوا و اتخاذ تصمیم‌های روش‌شناختی لحاظ شده و همواره مد نظر باشد، توجه نمود. برخی از این ملاحظات عبارتند از:

توجه به اهمیت دانش تعلیم و تربیت و نقش آن در عمل تربیتی

تربیت کردن (=آموزش دادن) امری غریزی نیست که هر شخص، توانایی آن را ذاتاً در خود داشته باشد. توانی نیست که هر کسی حتی به دلیل پدر، مادر یا معلم بودن آن را از قبل داشته باشد. امری است آموختنی، با زوایا و ابعاد بسیار متنوع و پیچیده. برای تربیت کردن، نیازمند دانش‌ها و مهارت‌هایی هستیم. علوم تعلیم و تربیت^۶ این دانش‌ها و مهارت‌ها را در اختیار ما می‌گذارند. این علوم، هر چند متنوع هستند، چه «انضامی» تصور شوند چه «اتحادی»، اما برای تربیت، به ذهن ما انسجام و وحدت می‌بخشند. پس برای تربیت کردن، به برخورداری از این دانش‌ها نیازمندیم. دانش تعلیم و تربیت سوای از عمل تربیتی به خودی خود و به عنوان امری مستقل و ماهیتاً مجزا- معنا دارد. گاستون میالاره در کتاب

^۳Realistic Context

^۴ Fantastical Context =Based on or existing only in fantasy, Unrealistic, irrational
(<http://www.thefreedictionary.com/fantastical>)

^۵Subjectivism

از دیدگاه معرفت‌شناسی، ذهنیت‌گرایی به معنای دکترینی است که مطابق آموزه‌های آن، دانش، محدود به مرزهای تجربیات شخصی است و دانش متعالی ناممکن است. مطابق این آموزه، دانش کاملاً امری ذهنی است و هیچ حقیقت خارجی و عینی وجود ندارد. به عبارت دیگر، ذهنیت‌گرایی، عبارتست از این اصل فلسفی که «فعالیت ذهنی ما تنها واقعیت غیرقابل انکار تجربه ما است»

(Richardson, Alan and Bowden, John (1983) *A new dictionary of Christian theology* pp.552-3

^۶Sciences de l'éducation=Sciences of education

«معنا و حدود علوم تربیتی» معتقد است که علوم تعلیم و تربیت شامل دانش/دانش‌های متعددی است.^۷

توجه به اهمیت اندیشه و تفکر برای تشخیص «موقعیت تربیتی» و اقدام متناسب با

آن

نکته مهم این است که ما حتی با برخورداری از این دانش‌ها، تا زمانی که توانایی این را نداشته باشیم که «موقعیت‌های تربیتی» به تعبیر گاستون میلاره- را شناخته و هنگام قرار گرفتن در آنها با اندیشه و تأمل به حل مسایل تربیتی بپردازیم؛ در تربیت، موفق نخواهیم بود. برای تأمل در تربیت به سؤالاتی پاسخ داد. برخی از این پرسش‌ها عبارتند از: کدام موقعیت را می‌توان تربیتی دانست؟ برای ایجاد یک موقعیت تربیتی چه عناصر و عواملی باید وجود داشته باشند؟ چه وقایعی، وقایع تربیتی به شمار می‌آیند؟ رویدادهای تربیتی چگونه رویدادهایی هستند؟ تفاوت میان یک رویداد تربیتی با رویدادهای دیگر چیست؟ وجوه تمایز موقعیت‌های تربیتی از سایر موقعیت‌ها چیست؟

تأمل و تفکر^۸ بهترین و مهم‌ترین امکان و ابزاری است که می‌تواند در اختیار همه مربیان قرار گیرد. تربیت کردن بیش و پیش از آن که شامل یک سری مهارت‌های عملی باشد، شامل مهارت‌های اندیشیدن است. یادمان باشد که هر جا خبری از اندیشه و تفکر نباشد خبری از تربیت نیز نیست.

تربیت، اقدامی دقیق، اساسی و پیچیده است. اما همه ما با تکیه بر قدرت تفکر و با کمی دقت و تأمل می‌توانیم هر مشکل واقعی خارج از ذهن خود را به یک «مسئله»-یادمان باشد

^۷ این دانش‌ها عبارتند از: الف- علمی که تفکر در باره تربیت و تحول آن را مطالعه می‌کنند (فلسفه آموزش پرورش، برنامه ریزی آموزش پرورش) ب- علمی که شرایط عمومی و محلی تربیت را مطالعه می‌کنند (تاریخ آموزش پرورش و تاریخ دانش آموزش پرورش، جامعه شناسی آموزش پرورش، قوم‌شناسی آموزش پرورش، جمعیت شناسی آموزشگاهی، اقتصاد آموزش پرورش، مدیریت آموزشگاهی، آموزش پرورش تطبیقی) ج- علمی که اوضاع و وقایع تربیتی را چنان که هستند مطالعه می‌کنند (۱- علمی که شرایط عمل تربیتی را از دیدگاه فیزیولوژیک و روانشناختی و روانشناسی اجتماعی مطالعه میکنند (فیزیولوژی تربیتی، روانشناسی تربیتی، روانشناسی اجتماعی گروه‌های کوچک، علم ارتباطات) ۲- علوم مربوط به روش‌های تدریس و نظریه‌های مربوط به برنامه‌ها ۳- علوم مربوط به روش‌ها و فنون آموزش و پرورش، علوم مربوط به ارزشیابی) منبع: میلاره، گاستون (۱۳۷۵)، معنا و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی‌محمد کردان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم

^۸ Réfléchir = thinking

مسئله امری ذهنی است و مشکل امری خارجی و عینی - تبدیل کرده و با طرح سؤالات دقیق و تلاش برای پاسخ به آنها، برای حل مسایل ذهنی و از میان برداشتن مشکلات خارج از ذهن، گام‌هایی را برداریم. این گونه، مشکلات تربیتی نیز حل می‌شود.

برای حل مسایل تربیتی ضرورت ندارد که ما جزو دانشمندان و فیلسوفان تربیتی باشیم اما لازم است به مشکلات تربیتی همانند آنها فکر کنیم. نحوه فکر کردن در این باره نیز باید یکسان باشد و تفاوتی میان یک فرد عادی، یک مربی و یک دانشمند وجود نداشته باشد: باید همه، با برخورد با یک مشکل، برای حل آن تلاش کنند ابتدا مسئله‌ای را طرح نموده و سپس به سؤالاتی برای حل آن مسئله پاسخ دهند. سؤالاتی که یا از جنس چیستی یا از جنس چرایی یا از سنخ چگونگی‌اند. این همان بکارگیری «روش علمی»^۱ است که باید در تمام سطوح آموزش به شاگردان یاد داده شود تا در تمام ابعاد زندگی بکار رود.

توجه به گوناگونی تلقی‌ها در باره تربیت

این، تعریف تربیت است که «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی» آن را برای ما معین می‌کند. بدون داشتن تعبیری معین از تربیت و داشتن معنایی از آن در ذهن، اقدام/عمل تربیتی، تشخیص اقدام/عمل تربیتی، نقد و بررسی آن و حتی بحث و گفتگو در باره آن ناممکن و بیهوده است. به عبارت دیگر، تا زمانی که معنای تربیت برای ما مشخص و واضح نباشد، نمی‌توانیم عمل تربیتی را از غیر آن تشخیص دهیم؛ چه خودمان آن را انجام دهیم، چه شاهد، ناظر یا ناقد رفتار دیگران باشیم. این بدان معناست که بدون تعریف تربیت، نه عمل تربیتی معنا دارد نه علوم تربیتی!... و صرفاً بر اساس تعریف تربیت است که می‌توان واقعیت (یعنی «وضعیت‌ها»، «وقایع» یا «موقعیت‌های تربیتی») را تشخیص داد و مورد بررسی و نقد قرار داد.

وضعیت یا «موقعیت تربیتی» شامل رویدادهایی است که مطابق با تعبیر و تلقی مربیان، تربیتی نامیده شده‌اند زیرا تربیت، مفهومی است که نزد همگان معنای واحدی ندارد - من بر

^۱Méthode scientifique= scientific method

^۲Situation pédagogique = Educational Situation

این باورم که «تربیت، مفهوم ثانی فلسفی است»^{۱۱} و هر کس بر اساس دیدگاه، عقاید، فرهنگ حاکم بر جامعه، و... آن را به گونه ای خاص تعریف می کند. پس بر اساس تعریف تربیت است که می توان واقعیت یا وضعیت ها یا وقایع تربیتی را تشخیص داد و مورد بررسی و نقد قرار داد. بر این مبنا، برای عمل تربیتی همواره فهم و تعبیری از تربیت مورد نیاز است و هنگام سخن گفتن از آن، باید به تعبیر گوناگون از دیدگاه نظریه پردازان توجه کرد و همواره این سؤال را در ابتدا پرسید که «به تعبیر کدام نظریه تربیتی؟» ... و این یعنی اهمیت فلسفه تعلیم و تربیت و نظریه تربیتی در عمل تربیتی!

توجه به نقش و اهمیت نظریه تربیتی

من بر این باورم که تربیت، هر چند مبتنی بر تفکر است اما امری ذهنی نیست بلکه مربوط به دنیای واقعی است و یکی از واقعیت های مهم زندگی به شمار می آید. بر این اساس، تعلیم و تربیت اساساً یک اقدام، یک فعالیت و عمل است، اما تنها این «نظریه تربیتی»^{۱۲} است که می تواند تحقق این اقدام را مبصر کند. یعنی هیچ چیزی به اندازه نظریه تربیتی با «عمل کردن» و «اقدام کردن» مرتبط نیست زیرا مقدمه و حتی ابزاری برای اقدام تربیتی به شمار می آیند. این نکته نیز قابل توجه است که «چنان که بدون نظریه تربیتی نمی توان اقدام به تربیت کرد؛ هرگاه نظریه تربیتی موجود باشد خودبخود عمل و اقدام تربیتی نیز از آن صادر می شود». معنای این عبارت این است که مربیان، همان طور که نمی توانند بدون برخورداری از یک دیدگاه تربیتی، به تربیت نسل پردازند، همچنین نمی توانند وقتی از یک دیدگاه تربیتی برخوردارند، بر اساس آن تربیت نکنند! به عبارت دیگر وقتی دیدگاهی

۱۱ به عبارت دیگر، مفاهیمی نظیر تربیت، در خارج از ذهن انسان دارای مصداق هستند، اما این مصداق تا زمانی که تعریفی از آن اشاره نشود به طور مشخص قابل اشاره نیست. به عبارت دیگر مصداق آنها امری واقعی است نه ذهنی - مثل انسان و حیوان و گل در خارج از ذهن وجود دارد - اما بدون تعریف، قابل اشاره و ارجاع نیست. یعنی تا زمانی که تعریفی برای تربیت ارائه نداده ایم نمی توان به چیزی اشاره کرد و آن را تربیت نامید. هر چند تحقق آن در خارج از ذهن معنا دارد مثلاً اگر تعریف من از تربیت (تربیت هدایت رشد شخصیت) را بپذیرید یا وجودی که هم «هدایت» هم «رشد» و هم «شخصیت» در خارج از ذهن واقعیت دارد اما تا زمانی که تعریف تربیت را به این شکل که مطرح شده نپذیریم مصداق آن در واقعیت زندگی قابل اشاره نیست. بر این اساس وقتی یک مفهوم، فلسفی تلقی شد آن گاه متکی به تعریفی خواهد بود که ذهن ارائه می دهد. برای مثال، «هدایت» وجود خارجی دارد اما برای عده ای این وجود خارجی چیزی است و برای عده ای دیگر چیزی دیگر. یعنی هر کس تعریف خود را دارد. «شخصیت» نیز این گونه است. «رشد» نیز، «تربیت» نیز همانند این سه، مفهومی فلسفی است؛ پس نیازمند تعریف است و تا زمانی که تعریف نشود مصداق آن نیز در خارج از ذهن مشخص نخواهد بود.

در این باره رک به: رحیمی، علیرضا (۱۳۸۹)، تعلیم و تربیت به سرتیگر، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، فصل پنجم

'Educational theory = Théorie éducationnelle یا Théorie de l'éducation

وجود داشت طبیعتاً اقداماتی بر اساس آن صورت خواهد گرفت؛ مگر آن که امکان آن فراهم نشود یا موانعی بر سر راه تحقق آن قرار گیرد. بدین ترتیب، مربیان، برای تربیت فرزندان خود به عنوان والدین-یا فرزندان دیگران-به عنوان معلم یا برنامه ساز تلویزیونی- به طور خودآگاه یا حتی ناخودآگاه، بر یک تعریف-هر چند ناواضح- از تربیت تکیه می کنند؛ تعریفی که چیستی، چرایی و چگونگی تربیت را برای آنان معین می کند. آنان نظر تربیتی یا نظریه تربیتی خود را دارند یا انتخاب می کنند.

نکته آخر این که «میان نظر تربیتی و نظریه تربیتی تفاوت وجود دارد». «نظر تربیتی»^{۱۳} تعریف ناقص، شخصی، کمتر منطقی، باینیان‌هایی سست، نابسامان و متشتت، مبتنی بر خطا و سعی، کمتر قابل استناد و کمتر نقدپذیر از تربیت است. هرکس یا هر گروهی از افراد می تواند نظر یا نظریه های تربیتی داشته باشد. اغلب مردم، فرزندان یا شاگردان خود را بر اساس نظر تربیتی، تربیت می کنند. مناسبانه برنامه سازی برای کودکان نیز معمولاً بر اساس نظر تربیتی یک برنامه ساز یا تیم همکار او ساخته می شود. اما «نظریه تربیتی» حاوی پاسخ اجمالی یا تفصیلی به سه سؤال اساسی چیستی، چرایی و چگونگی تربیت یا یکی از آنهاست. نظریه تربیتی مبنای علمی عمل تربیتی مربیان آگاه و نظام های تربیتی دانش بنیان است و معمولاً دانش بنیان تر، دقیق تر، منسجم تر و بیشتر نقدپذیر است. بر خورداری از یک نظر تربیتی قابل دفاع یا انتخاب یک نظریه تربیتی، که بتواند راهنمای عمل تربیتی مربی باشد، اولین ضرورت فعالیت تربیتی است و بدون آن، اقدامات مربی نمی تواند ضرورتاً تربیتی تلقی شود. یکی از مشکلات بزرگ در تربیت بی توجهی به نظریه یا نظریه های تربیتی برای اقدام و عمل است؛ چیزی که باید در زمینه برنامه سازی برای کودکان به عنوان یک خطر بالقوه و جدی محسوب شود!